

پژوهشی در زمینه آیه الاکمال

<"xml encoding="UTF-8?">

اشاره

در بخش اول این نوشتار، که در شماره 24 به محضر اهل معرفت تقدیم گردید، در زمینه مفردات آیه سوم از سوره مبارکه مائده، تقدیم «الیوم» بر «لکم»، نکاتی درباره «اکمال» و «اتمام»، معترضه بودن بخشی از آیه، ارتباط و هماهنگی بین دو بخش «الیوم» در آیه و منظور از آن در آیه مزبور، هم چنین نکاتی در باب روزنه امید کافران، برداشته شدن زمینه ترس و اکمال دین مطرح گردید. اکنون در ادامه سخن، بحث را درباره اکمال دین ادامه می دهیم و سخن را در دیگر موضوعات پی می گیریم:

اکمال دین

عده ای از اهل تفسیر علت اکمال دین را در این روز، کامل شدن مراسم حج می دانند؛ چون حضرت رسول (ص) در آن سال احکام و مناسک حج تمتع را عملاً به مسلمانان تعلیم دادند و شخصاً در مراسم شرکت داشتند. در پاسخ به این عده باید گفت: اولاً، چگونه تعلیم یک حکم از احکام دین یعنی حج تمتع - که پس از مدتی کنار گذاشته شد - می تواند علت اکمال دین باشد؟ هم چنین چه ارتباطی بین تعلیم مناسک حج و یاس کافران وجود دارد؟

بعضی دیگر از مفسران عامه گفته اند: منظور پاک شدن خانه خدا از مشرکان می باشد که حضرت رسول (ص) روز عرفه نگاهی به سرزمین انداختند و هیچ مشرکی را ندیدند. (1) پاسخ آن است که اولاً، شهر مکه و خانه خدا یک سال پیش از حجة الوداع از مشرکان پاک شده بود، در صورتی که آیه صحبت از امروز می کند (الیوم).

ثانیاً، سخن از اکمال دین است و دین مجموعه ای از عقاید و احکام می باشد. اکمال دین نیز با اضافه کردن احکامی بر آن مجموعه محقق می شود. اما پاک شدن محیط مکه از مشرکان و برطرف شدن موانع در راه عمل به احکام دین از اجزای دین به شمار نمی آید. اوضاع و احوال و رفتار ظاهری جامعه اسلامی ارتباط با اصل مجموعه ای به نام «دین» ندارد که شامل احکام و فرائض و معارف است.

باید دقت داشت که در روزهای آخر عمر حضرت رسول (ص) روز عرفه یا غدیر چه حکمی از احکام دین نازل و ابلاغ شد که بعد از بیست سال نزول تدریجی احکام، این حکم خاص علت اکمال دین گردید؟ از بررسی تاریخ اسلام و اقوال علمای شیعه و در خلال نظرات عامه، کاملاً روشن است که تنها حکمی که این روزها برای مسلمانان بیان شد و دارای ویژگی خاص و اهمیت فوق العاده ای بود که می توانست علت یاس کافران و اکمال دین باشد همان ماجرای غدیر خم و نصب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است.

در این روز تحولی بزرگ در دین اسلام روی داد؛ تکلیف رهبری و سرپرستی مسلمانان و جامعه اسلامی پس از حضرت رسول (ص) مشخص شد و ادامه این رهبری، که نقش بسیار مهمی در اداره معنوی و ظاهری جامعه

اسلامی دارد، در افرادی که بتوانند راه آن حضرت را ادامه دهند و تناسبی نیز بین آن ها و حضرت رسول (ص) باشد معین گردید. به عبارت دیگر، سرپرستی و رهبری شخصی حضرت به رهبری و سرپرستی نوعی - ولی محصور و محدود در ائمه دوازده گانه: - تبدیل شد و گویا مقام ولایت از مرحله حدوث و تجلی در شخص حضرت رسول (ص)، که به مرحله بقا و ظهور در امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و یازده فرزند ایشان: به اسامی مشخص شده اندرسید. این موضوع نقطه عطفی در بیان احکام و فرایض دین به شمار می آید که با آن، روزنه امید کافران بسته و دین کامل شد.

امام صادق (ع) فرمودند: «الیوم اکملت لکم دینکم باقاة حافظه و اتممت علیکم نعمتی ای بولایتنا و رضیت لکم الاسلام دینا ای تسلیم النفس لامرنا.» (2)

اتمام نعمت

«و اتممت علیکم نعمتی»؛ و نعمت خود را بر شما تمام کردم.

ابتدا باید روشن کرد که در این عالم نعمت چیست. آیا هرچه خداوند آفریده برای همه مردم نعمت است؟ ممکن است یک چیز برای فردی نعمت باشد، ولی همان چیز برای دیگری بلا به حساب آید. شاید برتر از قرآن - پس از وجود ائمه اطهار: - در این عالم، نعمتی نباشد. با وجود این، خداوند درباره قرآن می فرماید: «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا» (اسراء: 82) مفسر بزرگ قرآن، مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبائی در تفسیر المیزان نعمت الهی را چنین توضیح می دهد:

مراد از نعمت همه آن چیزهایی است که با طبع انسانی سازگار باشد و از آن امتناع نرزد. همه اشیا از آن نظر که در نظام کلی تدبیر الهی قرار گرفته و به یکدیگر متصل و مربوط اند و اجزای آن ها با یکدیگر سازگار و ملایم است، نعمت الهی هستند. از این رو، در آیه 24 سوره ابراهیم می فرماید. «و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها» یا در جای دیگر می فرماید: «و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنة» (لقمان: 20) ولی با این وجود، خداوند برخی از آن ها را به اوصاف شر و لهو و لعب و اوصاف ناپسند دیگری توصیف نموده است. به عنوان مثال، می فرماید: «و ما هذه الحیوة الدنیا الا لهو و لعب» (عنکبوت: 64)

این آیات دلیل بر آن است که آنچه نعمت به شمار آمده تنها در صورتی نعمت است که با غرض و هدفی که خداوند از آفریدن آن ها برای انسان داشته موافق باشد؛ زیرا آن ها به این منظور آفریده شده که از سوی خداوند کمکی برای انسان باشد تا در راه سعادت حقیقی خود - که همان قرب و نزدیکی به خداوند بر اثر بندگی و فروتنی در برابر پروردگار است - از آن ها بهره گیرد. بدین روی، می فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (الذاریات: 56)

پس هرچه را که انسان بدین منظور مورد استفاده قرار دهد که به ساحت و قرب الهی راه یابد و خشنودی او را به دست آورد نعمت است. ولی اگر از آن ها در راه شیطان و نافرمانی او بهره گیرد برای انسان نعمت و بلا خواهد بود.

در نتیجه، موجودات این عالم به خودی خود، نعمت یا نعمت نیست، مگر به اعتبار نوع و شکل تصرفی که انسان در آن ها انجام می دهد. اگر در راه عبودیت باشد نعمت است و اگر در راه نافرمانی و بندگی شیطان باشد نعمت و بلا.

معنای این سخن در واقع، آن است که «نعمت» عبارت است از ولایت و سرپرستی الهی و هر چیزی در صورتی نعمت به حساب می آید که مشتمل بر ولایت الهی باشد. «اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا.» (بقره: 275) ; «ذلک بان اللّٰهُ مولى الذین آمنوا و ان الکافرین لا مولى لهم.» (محمد: 16) بنابراین، اسلام، که «مجموعه ای از دستوراتی است که از سوی خداوند نازل شده تا او را بپرستند»، در ظاهر، دین است اما از آن حیث که عمل به آن ها مشتمل بر ولایت خدا و رسول و اولیای امر: می باشد، نعمت است. ولایت هم مانند قرآن است؛ برای برخی نعمت و برای برخی نعمت است. به عبارت دقیق تر، در یک مرتبه، برای همه نعمت و در مرتبه دیگر، برای برخی نعمت و برای برخی نعمت است. در ارائه راه برای همه نعمت است ولی در بهره گیری و ایصال الی المطلوب برای افراد فرق می کند.

ولایت خداوند - یعنی تدبیر امور بندگان به وسیله دین - تمام نمی شود، مگر به ولایت رسول (ص) و ولایت او نیز جز به واسطه ولایت اولی الامر پس از حضرت رسول (ص) - یعنی: تدبیر امور دینی مردم به اذن خداوند - تمام نمی شود. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا اللّٰه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.» (نساء: ص 59) ; «انما ولیکم اللّٰه و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون.» (مائده: 55)

پس ماحصل معنای آیه چنین می شود: روزی که کافران از دین شما ناامید شدند، مجموع معارف دینی را که بر شما نازل کرده بودم با ولایت کامل ساختم و نعمت خود را - یعنی: ولایت را که عبارت از تدبیر و اداره الهی در امور دینی است - بر شما تمام کردم.

تا آن روز تنها ولایت خدا و رسول او (ص) بود و چنین ولایتی تا زمانی که وحی نازل می شد کفایت می کرد، ولی برای دوره پس از انقطاع وحی، که رسولی در بین مردم نیست تا از دین خدا دفاع کند، نیاز است که از سوی خداوند کسی منصوب شود و به این مهم قیام نماید و او همان ولی پس از رسول خدا (ص) است.

نتیجه آن که ولایت تکمیل قانونی است که ناقص بوده و با نصب ولی امر پس از پیامبر (ص) تمام گردیده و اکنون که دین و تشریع آن کامل شده و نعمت ولایت تمام گشته خدا دین اسلام را برای بندگان خود پسندیده که همان دین توحید است و در آن غیر از خدا دیگری پرستش نمی شود. هم چنین غیر از خداوند و رسول یا ولی امری: که خدا امر به اطاعت او کرده از دیگری اطاعت نمی شود. (3)

از بیانات قبل، روشن شد که تنها نعمت در این عالم، نعمت ولایت و سرپرستی خداوند و به دنبال آن رسول او و اولی الامر است. سایر چیزهایی که خداوند آفریده اگر تحت این ولایت قرار گیرند و در راه بندگی و اطاعت از خداوند به کار گرفته شوند نعمت اند، و گرنه جز بلا و نعمت چیزی نخواهد بود.

به عنوان مثال، از جمله نعمت های الهی، وجود، طول عمر، سلامتی، و مال و ثروت است. اگر این ها در راه بندگی خداوند به کار گرفته شوند نعمت هستند، ولی اگر در راه بندگی شیطان و آزار مردم صرف گردند بلا و مصیبت خواهند بود. «ولا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین.» (آل عمران: 178)

امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق می فرماید: «وعمرنی ما کان عمری بذلة فی طاعتک فاذا کان عمری مرتعا للشیطان فاقبضنی الیک قبل ان یشیق مقتک الی او یستحکم غضبک علی.»

به کار گرفتن این امکانات در راه بندگی خداوند به معنای تصرف در آن هاست، به گونه ای که تدبیر پروردگار عالم اقتضا می کند. چنین عملکردی تحت ولایت خداوند بودن را می رساند. ولایت خداوند به ولایت رسول او (ص) و ولایت رسول (ص) به ولایت ائمه اطهار: تمام می شود.

پس روشن شد که اصل نعمت در این عالم، ولایت است و سایر چیزها اگر تحت این ولایت درآیند نعمت اند، ولی اگر از محدوده این ولایت خارج شوند، نه تنها نعمت نیستند، بلکه بلا و مصیبت خواهند بود: «ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم.»

امام هشتم، علی بن موسی الرضا (ع)، فرمودند: «لیس فی الدنيا نعيم حقیقی.» عده ای گفتند: با توجه به آیه مزبور، آیا آب خنک و امثال آن نعمت الهی نیست؟ حضرت فرمودند: آیا آیه را چنین تفسیر می کنید؟ امام صادق (ع) فرمودند: «و لكن النعيم حبا اهل البيت و مولاتنا يسال الله عنه بعد التوحيد و النبوة.» (4) این نعمتی بود که روز هجدهم ماه ذی الحجه حجة الوداع در غدیر خم با اعلان نبی اکرم (ص) به ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) و ائمه اطهار: به اتمام رسید و سبب رضایت پروردگار پس از 23 سال نبوت حضرت رسول (ص) گردید.

طمع کافران، ناامیدی آن ها، اکمال دین و اتمام نعمت، و رضایت پروردگار، همه در یک روز واقع شده است. اما بایدانندیشید که آیا مجموعه این مسائل در روزی غیر از غدیر خم و روز نصب امیرالمؤمنین (ع) واقع شده است، باتوجه به این که بیش تر روایات فریقین روز غدیر را به عنوان شان نزول آیه ذکر کرده اند؟ آیا در سایر روزهایی که احتمال آن را عده ای مطرح کرده اند، ممکن است تمام این اتفاقات افتاده باشد؟ با بررسی روزهایی که در آن چنین احتمال داده شده کاملاً روشن می شود که هیچ کدام از این روزها - غیر از روز غدیر - نمی تواند روز مورد نظر باشد.

مصادیق احتمالی «الیوم»

روزهایی که به عنوان مصداق «الیوم» ذکر شده از این قرار است:

1- روز بعثت و ظهور اسلام: از ظاهر آیه کریمه این گونه به نظر می رسد که در زمان نزول این آیه، مسلمانان دینی داشتند که کافران طمع به محو و ابطال آن بستند و مسلمانان نیز از آن ها می ترسیدند. اما خداوند در این روز زمینه ترس را برداشت و دین کامل شد و نعمت به اتمام رسید. هیچ کدام از این موارد مزبور در روز بعثت و ابتدای ظهور اسلام نبود و در آن روز، سخنی از طمع کافران و یاس آن ها وجود نداشت.

2- روز هجرت: در روز هجرت حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه نیز هیچ کدام از خصوصیات مورد نظر مطرح نبوده است.

3- روز تشکیل حکومت: در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه منوره، هرگز کافران از محو و ابطال دین ناامید نبودند؛ زیرا در ابتدا، جنگ کافران با مسلمانان برای محو دین اسلام بود و جنگ برای غلبه و پیروزی با یاس و ناامیدی سازگاری ندارد.

4- روز فتح مکه: هرچند فتح مکه برای مسلمانان پیروزی بزرگی بود، ولی فتح مکه در سال هشتم هجری واقع شد و تا سال دهم احکام بسیاری نازل گردید. پس چگونه در این روز دین، کامل شد و نعمت به اتمام رسید؟ از این گذشته، بیان شد که جمله «الذین کفروا» شامل جمیع کافران می شود و با فتح مکه، هرچند بسیاری از کافران از دین اسلام قطع امید کردند، ولی بسیاری از آن ها هنوز از محو و ابطال دین اسلام ناامید نشده بودند و بسیاری از عهدنامه ها و پیمان ها با کافران هنوز برقرار بود و آن ها بر سنت مشرکان مراسم حج را انجام می دادند.

5- روز نزول و قرائت آیه براءت: در این روز، اسلام کاملاً بر جزیره العرب تسلط یافت و آثار شرک و بت پرستی محو

شد و از آن پس، مشرکان در مراسم حج شرکت نداشتند. ولی با این همه، اکمال دین و اتمام نعمت در چنین روزی تحقق نیافت؛ چون این ماجرا در سال نهم هجری واقع شد و پس از آن، هنوز احکام بسیاری نازل می شد. هم چنین با وجود آن که کافران جزیره العرب ناامید شدند، ولی کافران خارج جزیره العرب هنوز از ابطال و محو دین اسلام ناامید نشده بودند.

6- روز عرفه: چنانچه معنای «الیوم» را «امروز» - یعنی: روز نزول آیه - بدانیم دو احتمال در این روز ذکر شده است: 1. روز عرفه؛ 2. روز غدیر. از قسمت های نخستین بحث روشن شد که هیچ کدام از خصوصیات را که آیه کریمه برای این روز ذکر کرده است در روز عرفه نمی توان یافت؛ یاس کافران، برداشته شدن زمینه ترس از مسلمانان، اکمال دین و اتمام نعمت، و رضایت پررودگار، هیچ یک با روز عرفه مطابقت ندارد. بنابراین، تنها روزی که روز نزول آیه و دارای تمامی این خصوصیات می باشد روز غدیر خم است که شواهد تاریخی فراوان و روایات و شان نزول هایی که از فریقین نقل شده نیز آن را تایید می کند. به عنوان مثال، بیش تر عامه نقل کرده اند که پس از نزول این آیه، حضرت رسول (ص) هشتاد و یک روز بیش تر عمر نکردند. (5)

از سوی دیگر، مورخان عامه وفات آن حضرت را روز دوازدهم ربیع الاول می دانند. (6) از جمع بین این دو نقل و جمع و تفریق اعداد، ظاهر می شود که روز نزول آیه هجدهم ماه ذی الحجه - روز غدیر - بوده است، و این با روز عرفه چندین روز اختلاف دارد.

آیه اکمال در روایات

در این زمینه، ابتدا روایت شیعه از بیانات ائمه معصوم: و سپس روایات عامه نقل می گردد:

الف - روایات شیعه

روایاتی که روز نزول آیه را روز غدیر خم و ماجرای نصب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به جانشینی پیامبر گرامی اسلام (ص) می داند:

1. قال ابوجعفر (ع): «وكان الفريضة تنزل بعد الفريضة الاخرى و كانت الولاية آخر الفرائض فانزل الله عز و جل "اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي."»

قال ابوجعفر (ع): «يقول الله عز و جل: "لا انزل عليكم بعد هذه الفريضة قد اكملت لكم الفرائض."» (7) در تفسیر عیاشی و قمی و بحارالانوار روایات دیگری نیز شبیه همین نقل شده است. (8)

2. عن الصادقين 8: «انه انزل الله بعد ان نصب النبي (ص) عليا (ع) للانام يوم غدیر خم عند منصرفه من حجة الوداع.» قالوا: «و هي آخر فريضة انزلها الله تعالى. لم ينزل بعدها فريضة.» (9)

3. في الخصائص عن الصادقين 8: «نزلت هذه الالية (آية التبليغ) يوم الغدير و فيه نزلت "اليوم اكملت لكم

دينكم."» و قال الصادق (ع): «اي اليوم اكملت لكم دينكم باقامة حافظه و اتممت عليكم نعمتي اي بولايتنا و رضيت لكم الاسلام دينا اي تسليم النفس لامرنا.» (10)

4. ابن بابويه... قال حدثني القاسم بن مسلم عن اخيه عبدالعزيز بن مسلم، قال: كنا مع الرضا (ع) بمرو... فتيمم

(ع) ثم قال: «... و انزل الله في حجة الوداع و هي آخر عمره (ص) "اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم

نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا" فامر الامامة من تمام الدين...واقام لهم عليا (ع) اماما....» (11)

5. الطبرسي... عن ابي سعيد الخدري: «ان رسول الله (ص) لما نزلت هذه الآية قال: «الله اكبر على تمام الدين و كمال النعمة و رضى الرب برسالتى و ولاية على بن ابي طالب (ع) من بعدى و قال: "من كنت مولاه فعلى مولاه. اللهم و ال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله."»

6. الشيخ فى الامالى قال: اخبرنا ابو عبدالله محمد بن محمد النعمان.. عن الصادق قال امير المؤمنين (ع): «فان بولايتى اكمل الله لهذه الامة دينهم و اتم عليهم النعم و رضى لهم اسلامهم اذ يقول يوم الولاية لمحمد (ص): يا محمد اخبرهم انى اكملت لهم اليوم دينهم و اتممت عليهم النعم و رضيت لهم اسلامهم كل ذلك من الله على فله الحمد.» (12)

7. الشيخ فى الامالى قال: اخبرنا جماعة عن ابي المفضل... عن ابي عبدالله (ع) عن على امير المؤمنين (ع) قال: «سمعت رسول الله (ص) يقول: بناء الاسلام على خمس... و ختم ذلك بالولاية فانزل الله عز و جل "اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى و رضيت لكم الاسلام دينا.» (13)

8. الشيخ فى الامالى قال: اخبرنا الحسين بن عبيدالله... عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عن آبائه: قال حدثنا الحسن بن على (ع): «فلما من عليكم باقامة الاولياء بعد نبىكم (ص) قال: "اليوم اكملت..."» (14)

9- السيد الرضى فى كتاب المناقب عن محمد بن اسحق عن ابي جعفر (ع) عن جده، قال: «لما انصرف رسول الله (ص) من حجة الوداع نزل ارضا يقال لها "ضوجان" فنزلت هذه الآية: "يا ايها الرسول بلغ..." ثم انزل الله تعالى على نبيه: "اليوم اكملت لكم دينكم..."»

قال ابن اسحق: قلت لابي جعفر (ع): ما كان ذلك؟ قال: «سبع عشرة ليلة خلت من ذى الحجة... و كان سمع رسول الله (ص) بغدير خم اثنا عشر رجلا.» (15)

از بررسى و دقت در روايات شيعه، كه تنها نمونه هاىي از آن ها نقل شد، روشن مى شود كه نزول آيه اكمال در روز غدیر خم و در ماجرای نصب اميرالمؤمنين على بن ابي طالب (ع) توسط پیامبر گرامی اسلامی (ص) به جانشینی و خلافت خود می باشد و موضوع آیه مزبور ولایت و معرفی حافظ و نگهبان دین است كه دین از مرحله نگهبان و حافظ شخصی - يعنى، پیامبر گرامی اسلام (ص) - به مرحله نگهبان و حافظ نوعی - يعنى، مساله ولایت ائمه اطهار: رسيد و در نتیجه، دین اسلام مورد رضایت خداوند قرار گرفت و ناامیدی كفار را به دنبال آورد.

ب - روايات عامه

در بين عامه نیز روايات فراوانی مشاهده می شود كه نزول آيه اكمال را روز غدیر خم و نصب اميرالمؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام توسط پیامبر گرامی اسلامی صلى الله عليه وآله به جانشینی و خلافت خود و ولایت بر مسلمانان می داند و روزه گرفتن روز غدیر خم، كه از اعياد بزرگ اسلامی است، نیز از ابوهريره نقل شده است.

1. الحافظ ابونعيم الاصفهانی روى فى كتابه: «ما نزل من القرآن فى على (ع)» قال:... عن ابي هارون العيدى عن ابي سعيد الخدري 2: «ان النبی (ص) دعا الناس الى على فى غدیر خم بما تحت الشجرة من الشوك فقم و ذلك يوم الخميس فدعا عليا فاخذ بضبعيه فرفعها حتى نظر الناس الى بياض ابطى رسول الله صلى الله عليه وآله ثم لم يتفرقوا حتى نزلت هذه الآية: "اليوم اكملت لكم دينكم..." الآية، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الله اكبر على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضى الرب برسالتى و بالولاية لعلى عليه السلام من بعدى...» فقال حسان: يناديهم يوم الغدير نبیهم بخم فاسمع بالرسول مناديا (16)

2. ابی المؤید موفق بن احمد در كتاب فضائل على از سيد الحفاظ شهردارين شيرويه ... از ابوهريرة از ابن سعيد

الخدري مانند روایت اول را نقل کرده است. (17)

3. ابراهیم بن محمد الحموبنی از شیخ تاج الدین ... از ابی هارون العبدی از ابی سعید الخدري ... نیز مانند روایت اول را نقل کرده است.

4. ابراهیم بن محمد الحموبنی از سیدالحفاظ و ابومنصور شهردار بن شیرویه ... از ابی هارون العبدی از ابی سعید الخدري ... نیز مثل روایت اول را نقل کرده است. اما در دنباله آن می نویسد: هذا حديث له طرق كثيرة الى ابی سعید سعدبن مالک الخدري الانصاري. (18)

5. عن نزول القرآن في علي يرفعه الى علي بن عامر عن ابی الحجاج عن الاعمش عن عصة قال: نزلت هذه الآية على رسول الله صلى الله عليه وآله في علي بن ابی طالب عليه السلام "يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك" و قد قال الله تعالى: "اليوم اكملت..." (19)

6. الحافظ ابوبكر الخطيب البغدادي در تاريخش، ج 8، ص 290... از ابی هريره از پیامبر صلی الله عليه وآله و از احمد بن عبدالله التيرى ... از بی هريره... و ابن مغازلي... از ابی هريره... از پیامبر صلی الله عليه وآله نقل کرده است: «من صام يوم ثمانية عشر من ذی الحجة كتب الله له صيامه ستين شهرا و هو يوم غدیر خم لما اخذ النبي صلى الله عليه وآله بيعة على بن ابی طالب و قال: "من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره" فقال عمر بن الخطاب: بخ بخ لك يا علي بن ابی طالب. اصبحت مولاي و مولی كل مؤمن ومؤمنة. فانزل الله تعالى "اليوم اكملت..." (20)

7. اخرج ابن مردويه و ابن عساکر بسند ضعيف عن ابی سعید الخدري قال: «لما نصب رسول الله صلى الله عليه وآله عليا يوم غدیر خم فنادی له بالولاية هبط جبرئيل بهذه الآية "اليوم اكملت..."» (21)

8. اخرج ابن مردويه والخطيب و ابن عساکر بسند ضعيف عن ابی هريرة قال: «لما كان يوم غدیر خم و هو يوم ثمانی عشر من ذی الحجة قال النبي صلى الله عليه وآله: "من كنت مولاه فعلى مولاه فانزل الله اليوم اكملت..."» (22)

9. اخرج ابو عبيد عن محمد بن كعب القرظي قال: «نزلت سورة المائدة على رسول الله صلى الله عليه وآله في حجة الوداع فيما بين مكة و المدينة...» (23)

بررسی روایات شیعه

در میان شیعه روایاتی دیده می شود که نزول آیه کریمه اکمال را روز عرفه می داند، هرچند شان نزول آیه را همان مساله ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بیان می کند:

1. محمد بن یحیی عن احمد بن محمد... عن ابی الجارود عن ابی جعفر صلی الله عليه وآله قال: سمعت ابا جعفر يقول: «فرض الله عزوجل...» الى قوله «ثم نزلت الولاية و انما اتاه ذلك يوم الجمعة بعرفة انزل الله عز و جل "اليوم اكملت..." و كان كمال الدين بولاية علي بن ابی طالب عليه السلام...» (24)

2. عن جعفر بن محمد بن محمد الخزاعي عن ابيه قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: «لما نزل رسول الله صلى الله عليه وآله عرفات يوم الجمعة اتاه جبرئيل فقال له: يا محمد، ان الله يقرؤك السلام و يقول لك: قل: لا شك اليوم اكملت دينكم بولاية علي بن ابی طالب عليه السلام و اتممت عليكم نعمتي...» (25)

مرحوم علامه طباطبائی درباره این روایات می نویسند: از دقت در آیه کریمه «يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته» و احادیثی که ذیل این آیه بیان شده و از بررسی اوضاع اجتماعی اواخر عمر

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله، به این نتیجه قطعی دست می یابیم که آیه ولایت پیش از روز غدیر نازل شده بوده، ولی آن حضرت از اظهار و اعلان آن به دلایلی پرهیز می کرده اند تا زمانی که آیه «یا ایها الرسول بلغ...» نازل شد. (26)

بنابراین، ممکن است که بیش تر سوره مائده و از آن جمله آیه اکمال - که مساله ولایت را بیان می کند - روز عرفه نازل شده، ولی حضرت رسول صلی الله علیه وآله بیان آن را تا روز غدیر به تاخیر انداخته باشند، هرچند آیه را روز عرفه تلاوت کردند.

پس می توان گفت: بین روایات درباره نزول آیه در روز عرفه یا روز غدیر منافاتی نیست؛ چون به اعتبار نزول ابتدایی، آیه در روز عرفه نازل شده و به اعتبار تلاوت آیه همراه با رساندن و تبلیغ مساله ولایت، در روز غدیر بیان شده است. (27)

مناسب است در این زمینه گفته شود که بین روایات اهل سنت - که دلالت بر نزول آیه در روز عرفه دارد - با روایات شیعه - که آیه را در مورد مساله ولایت و جریان غدیر می داند - منافاتی نیست.

بررسی روایات عامه

در مقابل روایاتی که از اهل سنت درباره آیه اکمال و نزول آن درباره ولایت ذکر شد، عده ای از عامه ادعای ضعف سند یا جعلی و دروغ بودن این روایات را دارند؛ مثلاً، آلوسی در روح المعانی چنین ادعا می کند: «ولا یخفی ان هذا من مفتریاتهم و رکاکة الخبر شاهدة علی ذلک فی مبتدا الامر ... و روایاتهم فی هذا الفصل ینادی لفظها علی وضعها.»

هم چنین در کتاب الدر المنثور ضمن نقل روایت از ابی سعید خدری و ابوهریره می گوید: سند این ها ضعیف است. در پاسخ به این سخن آلوسی، که این روایات اولاً، از شیعه است. ثانیاً، رکاکت خبر و الفاظ آن شاهد بر دروغ و جعلی بودن آن می باشد. باید گفت: این گونه کلمات از محقق و مفسر قرآن که با روایات نیز آشنایی دارد بسیار عجیب است؛ زیرا روایات اهل سنت از کتب معتبر آن ها، که حتماً در اختیار آلوسی نیز بوده، نقل گردیده و دست کم، باید کتاب الدر المنثور سیوطی در اختیار او بوده باشد. پس چگونه است که او این روایات را در کتب عامه ندیده است؟ ثالثاً، آیا بین روایات شیعه و روایات آن ها تفاوت زیادی وجود دارد یا این روایات هم مانند سایر روایات شیعه است که او باید ادعای جعلی بودن تمام روایات شیعه را داشته باشد؟ آیا کلمات این روایات و الفاظ آن ها با الفاظ و کلمات روایات عامه شباهتی ندارد؟ او باید ادعای خود را به صورت واضح و روشن بیان می کرد.

مرحوم علامه امینی چنین می فرماید: «الرکاکة التي حسبها فی الحديث و جعلها شاهدا علی کونه من مفتریات الشيعة اهی فی لفظه؟ و لا یعدوه ان یكون لذة سایر الاحادیث المروية و هو خال عن ای تعقید او ضعف فی الاسلوب او تکلف فی البیان او تنافر فی التركيب جار علی مجاری العربية المحضة او فی معناه و لیس فيه منها شیء؟» (28)

اما درباره آنچه سیوطی در الدر المنثور و هم چنین در الاتقان آورده که سند این دو روایت را صحیح نمی داند و اشاره به ضعف آن می کند، لازم است توجه شود که:

اولاً، روایات ابوهریره نزد خود عامه از معتبرترین روایات است. مرحوم علامه امینی ضمن بررسی رجال حدیث «صوم یوم الغدیر»، می نویسند:

«ابوهريرة اجمع الجمهور على عدالته و ثقته فلانحتاج الى بسط المقال فيه.»

ثانيا، این روایات از طرق دیگری نیز نزد عامه نقل شده و راوی آنها منحصر به ابوهریره و ابوسعید خدری نیست. مرحوم علامه طباطبائی می فرمایند: ضعف سند اشکالی به متن و بیان روایت وارد نمی کند؛ زیرا محتوای آیه کریمه اکمال با بیانی که در جمع خصوصیات یاس و اکمال و اتمام نعمت و رضایت گذشت، جز با مساله ولایت سازگاری ندارد. (29)

روایات نزول آیه در عرفه

برخی از روایات نزول آیه اکمال را روز عرفه بیان می کند. در کنار آن، بعضی از نویسندگان و مفسران یا راویان حادثی سعی کرده اندبه وسیله این روایات آیه اکمال رااز مساله ولایت و جریان غدیر بیگانه به شمار آورند. نمونه ای از این روایات چنین است:

- اخرج عبد بن حميد عن الشعبي قال: «نزل على النبي صلى الله عليه وآله هذه الآية و هو بعرفة "اليوم اكملت..."» (30)

- اخرج ابن ابي شيبة و ابن جرير عن عنترة قال: «لما نزلت "اليوم اكملت لكم دينكم" و ذلك يوم الحج الاكبر بكي عمر فقال له النبي صلى الله عليه وآله ما يبكيك؟ قال: ابكاني انا كنا في زيادة من ديننا فاما اذ كمل فانه لم يكمل شيء قط الا نقص. فقال صدقت»

- اخرج الحميدى و احمد و عبد بن حميد و البخارى و مسلم و الترمذى و النسائى و ابن جرير و ابن المنذر و ابن حبان و البيهقى فى سننه عن طارق بن شهاب قال: قالت اليهود: «انكم تقرؤون آية فى كتابكم لو علينا معشر اليهود نزلت لاتخذنا ذلك اليوم عيداً. قال و اى آية؟ قالوا: "اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي." قال عمر: والله انى لاعلم اليوم الذى نزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله فيه و الساعة التى نزلت فيها؛ نزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله عشية عرفة من يوم جمعة.» (31)

مانند این روایت که روز نزول آیه اکمال را روز عرفه می داند، در روایات عامه فراوان است، اما هم چنان که در بحث از روایت شیعه گذشت، اصل این مساله، که روز نزول آیه اکمال روز عرفه باشد منافاتی ندارد با این که آیه در مورد تبلیغ ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر باشد؛ چون این امکان وجود دارد که آیه اکمال در روز عرفه بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله نازل شده باشد ولی آن حضرت تلاوت همراه با تبلیغ ولایت و خلافت را به قرینه آیه «يا ايها الرسول بلغ...» تا روز غدیر به تاخیر انداخته و روز غدیر این جریان واقع شده باشد. این مطلب از بررسی شان نزول آیه تبلیغ به صورت کامل روشن می گردد. احتمال دو مرتبه نازل شدن آیه نیز هست، چنانچه درباره تعدادی از آیات این احتمال داده شده است. صاحب الغدير چنین نقل می کند:

«لا سيما مع امکان الجمع بنزول الآية مرتين كما احتمله سبط ابن الجوزى فى تذكرته (ص 18) كغير واحد من الآيات الكريمة النازلة غير مرة واحدة و منها البسملة النازلة فى مكة مرة و فى المدينة اخرى و غيرها مما ياتي.» (32)

اما در خصوص روایتی که به صورت های گوناگون از عمر نقل شده که شخصی یهودی گفت: آیه ای در کتاب شما هست که اگر بر ما یهود نازل شده بود آن روز را عید قرار می دادیم... و در ذیل تعدادی از این روایات آمده که عمر گفت: دین کامل شده و بعد از کامل شدن رو به نقصان خواهد گذاشت.

به این اظهار نظر و برداشت عمر از آیه اکمال مرحوم علامه طباطبائی اشکال کرده اند: این روایت این معنا را بیان می کند که در روز عرفه دین، ظاهر و غالب شده و در موسم حج در مکه استقلال یافته و مراد از اکمال دین صفای جو مکه و در اختیار مسلمانان بودن مراسم حج و عدم حضور مشرکان و کفار در مراسم است. به عبارت دیگر، مراد از اکمال دین و اتمام نعمت به کمال رسیدن وضع مسلمانان است، نه دین به معنای شریعت و معارف و احکامی که نزد خدا جعل شده؛ زیرا آنچه قابل نقصان است همین وضع ظاهری مسلمانان است. اما کلیات معارف و احکام، که از سوی خداوند تشریع شده، پس از اکمال و اتمام قابل نقصان نیست، علی رغم آنچه در روایت به آن اشاره شده است. در نتیجه، معنایی که برای اکمال دین بیان گردیده بر آیه کریمه منطبق نیست. چگونه خداوند ظاهر وضع مسلمانان را به خود نسبت دهد و بر مؤمنان منت گذارد که دین آن ها را کامل کند، در صورتی که بین مسلمانان منافقانی وجود داشتند که ضرر آن ها کم تر از کفار نبود و اجتماعات سری تشکیل می دادند. (33)

روایات نزول آیه در غدیر

اما در تعدادی از روایات، اضافه بر نقل نزول آیه اکمال در روز عرفه، راوی اکمال دین را نیز به عقیده خود تفسیر کرده است؛ مانند:

- «اليوم اكملت...» يقول: حلالكم و حرامكم؛

- «اليوم اكملت...» قال: اخلص الله لهم دينهم و نفى المشركين عن البيت؛

- «اليوم اكملت...» حين نفى الله المشركين عن المسجد الحرام و اخلص للمسلمين حجهم؛

- «اليوم اكملت...» قال: تمام الحج و نفى المشركين عن البيت.

از دقت در این گونه روایات به طور کامل روشن می شود که آنچه راوی نقل می کند فهم و نظر خود اوست و هیچ گاه کلامی از پیامبرگرمای صلی الله علیه و آله نقل نکرده و حتی به آن حضرت هم نسبت نداده است. در نتیجه، این ها از حد یک اظهارنظر چیزی افزون تر نیست و باید دقت کرد که این اظهارنظر با ظاهر آیه و سایر روایات و کلمات ائمه اطهارعلیهم السلام وصحابه منافاتی نداشته باشد.

همان گونه که قبلا نیز اشاره شد، آیه اکمال می فرماید: «امروز خداوند دین شما را کامل کرد» و دین مجموعه ای از معارف و احکامی است که از سوی خداوند تشریع می شود و این مجموعه چیز مستقلی است و در کنار آن، اوضاع و احوال و رفتار اجتماعی مسلمانان چیز دیگری است که نباید بین این دو اشتباه شود. آنچه در روایات عامه آمده مربوط به بیان وضع ظاهری اجتماع مسلمانان است که مشرکی در مراسم حج نباشد.

معنای اکمال دین به بیان حلال و حرام نیز فهم راوی است و با ظاهر آیه مناسبتی ندارد؛ چون در این روز حکمی بیان شد که خصوصیات فراوانی داشت: یاس و ناامیدی کفار، اکمال دین، اتمام نعمت، و رضایت پروردگار نسبت به دین مقدس اسلام. این مجموعه خصوصیات در کدام یک از حلال و حرام احکام دین وجود دارد؟ آیا در تحریم خون و مردار و وشت برخی از حیوانات... این اهمیت وجود دارد؟

هم چنین این احکام آخرین احکامی نبود که بر پیامبر گرمای اسلام صلی الله علیه و آله نازل می شد، بلکه پس از آن احکام دیگری مثل آیه کلاله بر آن حضرت نازل شد. طبری از مفسران عامه در تفسیر خود چنین می نویسد:

«فاما الفرائض والاحکام فانه قد اختلف فيها هل كانت اكملت ذلک اليوم ام لا...؟ و لا يدفع ذو علم ان الوحي لم ينقطع عن رسول الله صلى الله عليه وآله الى ان قبض بل كان الوحي قبل وفاته اكثر ماكان تتابعا...» (34)

1. درباره بخش اول از آیه «اليوم يؤس الذين كفروا»، مفسران عامه تفاسیری بیان می کنند که اجمالا نقد و

بررسی می شود: بیش تر مفسران در تفسیر این بخش از آیه، دو احتمال نقل می کنند:

- کفار از حلال کردن این محرمات نا امید شدند.

- کفار از غلبه بر دین شما نا امید شدند.

آلوسی در روح المعانی آورده است: «والمراد انقطع رجاءهم من ابطال دينكم و رجوعكم عنه بتحليل هذه الخبائث و غيرها او من ان يغلبوكم عليه.» (35)

فخر رازی نیز تفسیر آیه را چنین بیان می کند: «فيه قولان: الاول يؤسوا من ان تحللوا هذه الخبائث والثاني يؤسوا من ان يغلبوكم على دينكم.» (36)

زمخشری در تفسیر کشاف نیز همین دو احتمال را بیان می کند: «يؤسوا منه ان يبطلوه ... و يؤسوا من دينكم ان يعلنوه.» (37)

طبری در ذیل آیه کریمه می نویسد: «انقطع طمع الاحزاب و اهل الكفر والجحود ايها المؤمنون من دينكم ان تتركوه فترتدوا عنه.» (38)

در توجیه این تفسیر، می گویند: در روز عرفه حضرت رسول صلی الله علیه وآله دیدند هیچ مشرکی در موقف دیده نمی شود و مسلمانان بدون مانع اعمال حج را انجام می دهند.

2. در مورد بخش دوم آیه - «اليوم اكملت لكم دينكم» - مفسران عامه احتمالات و تفاسیر گوناگونی بیان کرده اند: طبری در جامع البیان بهترین اقوال را چنین بیان می کند: «اولی الاقوال فی ذلك بالصواب ان يقال ان الله عزوجل اخبر نبيه صلى الله عليه وآله و المؤمنين بانه اكمل لهم يوم نزول هذه الآية على نبيه (ص) دينهم بافرادهم بالبلد الحرام و اجلائه عنه المشركين...»

صاحب تفسیر کشاف اکمال را این چنین تفسیر کرده است: «كفيتكم امر عدوكم و جعلت اليد العليا لكم... او اكملت لكم ما تحتاجون اليه في تكليفكم من تعليم الحلال والحرام...»

در تفسیر روح المعانی این آیه چنین توجیه شده است: «بالنصر و الاظهار لانهم بذلك يجرون احكام الدين من غير مانع و به تمامه...» عن ابن عباس والسدي: «اكملت لكم حدودی و فرائضی و حلالی و حرامی.»

بیش تر مفسران عامه نزول آیه را روز عرفه در حجة الوداع می دانند و می گویند دین کامل شد به این که شهر مکه منحصر در اختیار مسلمانان گردید و یا این که اکمال دین به بیان حرام ها و حلال ها و حدود فرایض است و یا غلبه و نصرت با مسلمانان بود.

آنچه از مجموع کتب تفسیری و تحقیقی اهل سنت درباره تفسیر آیه اکمال مورد توجه است این نکته می باشد که آن ها سعی دارند نزول آیه اکمال را روز عرفه بدانند. بدین منظور، ربط بین این آیه و مساله غدیر و ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام را نادیده گرفته و انکار کرده اند. ولی در بیان مراد آیه در روز عرفه از تعبیری استفاده کرده اند که از ظاهر آیه به دور است. نمونه این قبیل تفاسیر گذشت.

اگر بخواهیم به صورت خلاصه این آراء و نظریات را نقد و بررسی کنیم همان گونه که در بیانات قبلی ذکر شد، در تفسیر آیه باید به نکاتی توجه کرد:

آنچه آیه کریمه بر آن تاکید دارد اصل دین است. (یاس از دین و اکمال دین) و آنچه اهل سنت در تفسیر آیه بیان کرده اند مربوط به وضع ظاهری اجتماع مسلمانان و رفتار آن ها است و ربطی به اصل دین ندارد. چگونه ممکن

است خلوص نیت یا تعلیم اعمال حج موجب اکمال دین باشد؟ هم چنین در یاس کفار، اگر مراد ناامیدی کفار و مشرکان قریش است این ناامیدی روز فتح مکه در سال هشتم هجری واقع شد، نه روز عرفة سال دهم هجری. و اگر مراد یاس و ناامیدی کفار و مشرکان عرب باشد این واقعه نیز روز نزول آیه در سال نهم هجری اتفاق افتاد، نه روز عرفة سال دهم. اگر هم مراد جمیع کفار - از یهود و نصاری و مجوس و غیر آن ها - منظور است که اطلاق آیه نیز همین را بیان می کند. این ها از دین اسلام قطع امید نکردند، مگر وقتی که خداوند آنچه را که مایه امید و طمع آنان بود به یاس و ناامیدی مبدل کرد. آن ها امیدوار بودند که روزی حافظ و نگهبان این دین از دنیا برود و سرپرست و نگهبانی برای دین و مسلمانان باقی نماند و در آن روز به امید و آرزوی خود برسند؛ دین را از بین ببرند. اما خداوند در روز غدیر با معرفی ولی امر مسلمانان و خلیفه و جانشین پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و معرفی سرپرست و نگهبان نوعی ائمه اطهار علیه السلام در ادامه نگهبانی شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله امید مطلق کفار را به یاس مبدل ساخت.

هرگونه بیانی برای یاس در این آیه کریمه غیر از این مواجهه با اشکالاتی خواهد بود که ذکر آنها گذشت. البته تعدادی از مفسران عامه اجمالا گفته اند که کفار از دین شما مایوس شدند، ولی در بیان این مطلب که روز عرفة چه اتفاقی رخ داد که مایه قطع امید کفار از دین گردید بیان روشن و گویایی وجود ندارد.

مساله دیگری که در نقد آراء مفسران عامه مهم است این که آیا بیان محرماتی که قبلا نیز در آیات سوره های قبلی برای مسلمانان بیان گردیده (و در روز عرفة با اضافات مختصری گفته شد) اکمال دین به حساب می آید؟ باید توجه داشت که پس از روز عرفة تا آخر عمر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله بیان احکام ادامه داشت و روز عرفة آخرین احکام نیامده است تا به این دلیل اکمال دین باشد.

طبری در جامع البیان می نویسد: در این که احکام و فرائض در این روز کامل شده باشد اختلاف است. از ابن عباس و سدی و براء بن عازب نیز نقل گردیده که آخرین آیه ای که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شده آیه کلاله بوده و معلوم است که اواخر عمر آن حضرت وحی بیش تر نازل می شده و در نتیجه، آخرین حکم آیه کلاله است که احکام و فرائض را بیان می کند: «فاما الفرائض و الاحکام فانه قد اختلف فیها هل کانت اکملت ذلک الیوم ام لا...» (39)

اما آنچه را خود طبری به عنوان اکمال دین می پذیرد که شهر مکه در اختیار مسلمانان بود و کفار از آنجا کوچ کردند نقد گردید که این وضع موجود مسلمانان است و ربطی به اصل دین تشریع شده از سوی خداوند ندارد.

شبهه فخر رازی

فخر رازی می نویسد: این آیه دلالت بر بطلان قول رافضه دارد، به این بیان که خداوند در این آیه می فرماید: کفار از تبدیل دین ناامید شدند و دیگر از آن ها نترسید و اگر امامت علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداوند و رسول صلی الله علیه و آله او نص صریح و روشنی داشت در نتیجه، باید کسانی که قصد مخفی کردن یا تغییر آن را داشتند ناامید شده باشند و دیگر کسی از صحابه قدرت بر انکار یا تغییر و پوشاندن آن را نداشته باشد و چون این چنین نشد، معلوم می شود ادعای شیعه دروغ است. (40)

در پاسخ به این شبهه، باید گفت سال ها پیش از فخر رازی، امام صادق علیه السلام شبهه او را پاسخ داده و فرموده اند: «یئس الکفرة و طمع الظلمة.» (41)

علاوه بر آن که خود آیه پاسخ شبهه را کاملا بیان کرده، خداوند بلافاصله پس از یاس کفار می فرماید: «فلا

تخشوهم»؛ دیگر از کفار نترسید، امید آن ها به یاس تبدیل شده است، ولی «و اخشون»؛ از من بترسید. معلوم است این بخش از آیه در مقام تهدید و تحذیر مسلمانان است؛ همان گونه که از کفار می ترسیدید و من شما را در امان نگه داشتم و کفار را نا امید کردم، از من بترسید - یعنی: مبدا همان فسادى که ممکن بود از ناحیه کفار در دین ایجاد شود از ناحیه خود شما مسلمانان ایجاد گردد و بر اثر کفران نعمتی که در این روز آن را بر شما تمام کردم و کنار گذاشتن این دین کامل و مورد پسند خداوند، نعمت از شما گرفته شود و به نقت و بلا تبدیل گردد. البته مسلمانان این کار را کردند و خدا هم کرد. (42)

پی نوشت ها :

- 1- نویسنده جامع البیان، در ج 6، ص 52 نوشته است: «بافرادهم بالبلد الحرام و اجلائه عند المشرکین».
- 2- علامه امینی، الغدير، ج 1، ص 234
- 3- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان
- 4- حویزی، نورالثقلین، ج 5، ص 664
- 5- محمدبن جریر طبری در جامع البیان، ج 6، ص 51 می نویسد: «مکت النبى (ص) بعد ما نزلت هذه الایة احدى و ثمانین لیلة / جلال الدین سیوطی، الدرالمنثور، ج 3، ص 16 / فخررازی، تفسیرالکبیر، ج 12، ص 139 / ابی السعود، تفسیرابى السعود، ج 3، ص 7 / رشید رضا، المنار، ج 6، ص 154
- 6- مرحوم علامه امینی نقل کتب تاریخی عامه را ذکر کرده اند. ر.ک. به: الغدير، ج 1، ص 230
- 7- محمدبن یعقوب کلینی اصول کافی، ج 1، ص 289، روایت 4 / نورالثقلین، ج 1، ص 587، روایت 24 / هاشم بن سلیمان بحرانی البرهان، ج 1، ص 444، روایت 16 / محمدباقر مجلسی بحارالانوار، ج 37، ص 138، روایت 29
- 8- نورالثقلین، روایت 27، ص 588 / البرهان، ج 1، ص 444، روایت 14 / فضل بن حسن طبرسی / مجمع البیان (رحلی)، ج 2، ص 159
- 9- الولاية و الامامة، ص 105 / غاية المرام، ص 338
- 10- الامامة و الولاية، ص 105 / الغدير، ج 1، ص 234
- 11- البرهان، ج 1، ص 435، روایت 2
- 12- البرهان، ج 1، ص 435
- 13- البرهان، ج 1، ص 435
- 14- البرهان، ج 1، ص 435
- 15- البرهان، ج 1، روایت 9
- 16- الغدير، ج 1، ص 232 / البرهان، ج 1، ص 445، روایت 9
- 17- الغدير، ج 1، ص 235 / غاية المرام به نقل از: المیزان، ج 5، ص 192
- 18- الغدير، ج 1، ص 235
- 19- المیزان، ج 5، ص 193
- 20- الغدير، ج 1، ص 233 / المیزان، ج 5، ص 195
- 21- الدرالمنثور، ج 3، ص 19

- 22- الدر المنثور، ج 3، ص 19
- 23- الدر المنثور، ج 3، ص 3
- 24- نور الثقلين، ج 1، ص 588، رواية 26
- 25- البرهان، ج 1، ص 444، رواية 15
- 26- البرهان، ج 1، ص 587، حديث 26
- 27- الميزان، ج 5، ص 196
- 28- ر. ك. به: الغدير، ج 1، ص 237
- 29- الميزان، ج 5، ص 195
- 30- الدر المنثور، ج 3، ص 17
- 31- الدر المنثور، ج 3، ص 17
- 32- الغدير، ج 1، ص 237
- 33- الميزان، ج 5، ص 197
- 34- محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ج 6، ص 52
- 35- آلوسی، روح المعانی، ج 6، ص 60
- 36- تفسير كبير، ج 11، ص 137
- 37- زمخشری، كشاف، ج 1، ص 605
- 38- تفسير جامع البيان، ج 4، ص 51
- 39- جامع البيان، ج 6، ص 52
- 40- تفسير كبير، ج 11، ص 140
- 41- بحار الانوار، ج 37، ص 134
- 42- الميزان، ج 5، ص 178